

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعلیم و تربیت

واقصا

دوره هشتم، شماره چهاردهم

نام جزوه: تعلیم و تربیت و اقتصاد
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق
ناشر: موسسه در راه حق
نوبت چاپ: مکرر
تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش
چاپخانه: سلمان فارسی
نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)
کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق
تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

Error! Bookmark not defined. فلسفه وجود ارتش

Error! Bookmark not defined. تعلیم و تربیت جنگی

Error! Bookmark not defined. آموزش اسلحه

Error! Bookmark not defined. آموزش تاکتیک های جنگی

Bookmark not defined. آموزش کسب اطلاعات از دشمن

Error! Bookmark not defined. تأثیر تعلیم و تربیت در جهاد

Error! Bookmark not defined. فلسفه جهاد

ark not defined. جهاد در آئینه کلام معصومین (علیهم السلام)

Error! Bookmark not defined. (جهاد اکبر)

مفهوم اقتصاد

«اقتصاد» در لغت به معنای «میانه روی» است. در روایات نیز به همین معنا و در برابر اسراف به کار رفته است؛ چنانکه امیرالمؤمنین ((علیه السلام)) فرمود:

«إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) وَإِنَّ السَّرْفَ يُبْغِضُهُ»؛^۱ میانه روی امری است که خداوند عزیز و جلیل آن را دوست داشته و اسراف را دشمن می دارد.

اقتصاد به عنوان علم - که امروز متداول است -
دانشی است که انسان را قادر می سازد تا با استفاده
از منابع کمیاب تولید، بیشترین نیازها را تأمین
نماید.^۱

اما روش اقتصادی «زندگی اقتصادی را
ارزیابی نموده، با پنداری که از دادگری دارد،
روشن می سازد که این زندگی چگونه باید باشد،
و به چه روش داد مثنانه ای باید سامان گیرد.»
«آن گاه که گوینده ای پرسد: دست
آوردهای بازار آزاد چیست؟ و چگونه ارزش به
تقاضا وابسته است؟ و این وابستگی یکی به

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۷

دیگری، چگونه می باشد؟ دانش اقتصاد به این پرسش پاسخ می گوید. و هرگاه پرسد: شایسته است بازار چگونه باشد؟ آیا آزادی بازار می تواند عهده دار پخش دادگرانه کالا گردد؟ و آیا می تواند نیازها را، به آن گونه که دادگری اجتماعی می انگارد، سیراب سازد؟ روش اقتصادی، پاسخگوی چنین پرسشهایی است.^۱ به عبارت روشن تر، دانش از «آنچه هست» و از

۱. پژوهشی زیرساز در اقتصاد اسلام، «گامی در مسیر»،

علت‌هایش سخن می‌گوید، و روش از «آنچه باید باشد» و «آنچه نباید باشد»^۱.

آیت ا... شهید سید محمد باقر صدر در پاسخ این سؤال که منظور ما از «وجود اقتصاد در اسلام» چیست، بیان می‌دارند: «منظور ما از اقتصاد اسلامی، روش اقتصادی است نه دانش اقتصاد»^۲.

اسلام، براساس روش اقتصادی خاص خود، هرگونه ظلم و اجحاف و بی‌عدالتی اقتصادی را از بین می‌برد. و در این راستا از کارخانه و چگونگی

۱. پژوهشی زیرساز در اقتصاد اسلام، «گامی در مسیر»، صص ۲۰ و ۲۲ و ۱۶.

۲. پژوهشی زیرساز در اقتصاد اسلام، «گامی در مسیر»، صص ۲۰ و ۲۲ و ۱۶.

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۹

تأمین هزینه های زندگی، از بازار و انواع دادوستد، از زارع و مزارعه سخن می گوید. به طور کلی، به عواملی که موجب اصلاح اقتصاد در جامعه می شود ترغیب، و از عواملی که اقتصاد را به فساد می کشاند جلوگیری کرده است.

هدف اسلام از به وجود آوردن روش

اقتصادی

در گذشته یادآور شدیم که اسلام اصالت را به روح انسان داده و تمام تلاش و کوشش پیامبران برای تزکیه روح از پلیدی های دنیوی بوده است، تا سرانجام انسان به کمال شایسته خویش - که رسیدن به مطلوب نهایی؛ یعنی قرب خداوند باشد

– برسد و با کسب هر درجه از قرب، کامل تر شود.

بنابراین، پی می بریم که اسلام، تمام برنامه هایش را در راه تزکیه نفس و به فعلیت رسیدن انسانیت تنظیم نموده و اهدافی را به عنوان مقدمات رسیدن به هدف برتر، در نظر گرفته است. یکی از این گونه اهداف مقدماتی، برقراری نظام سالم اقتصادی در ابعاد گوناگون جامعه است، تا هم پاسخگوی نیازهای مادی فرد و جامعه باشد، و هم انسان با زیاده روی در این راه در دام دنیاپرستی نیفتد و از آرمان نهایی خویش باز نماند. اگر به دقت به مسائل حقوقی و روش اقتصادی اسلام بنگریم و کتابهای فقهی را که

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۱۱

تحت عنوان تجارت، مضاربه، شرکت، مزارعه، رهن، اجاره، خمس و زکات، احیای موات و...تنظیم شده مطالعه کنیم، و مسائلی را که به صورت توصیه، موعظه، با بیانات گوناگون از پیامبر عظیم الشان اسلام ((صلی الله علیه وآله)) و از امامان معصوم ((علیهم السلام)) به ما رسیده است ملاحظه کنیم، به روش انسانی اقتصاد پی خواهیم برد، و با عدالت اقتصادی اسلام آشنا خواهیم گشت.

در اسلام، به وجود آوردن عدالت اقتصادی مقدمه ای است براین که مردم در پرتو آسایش مادی، خدا را ستایش کنند و شکرگزار نعمتهای او باشند.

رسول گرامی اسلام ((صلی الله علیه
وآله)) فرمود: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا
وَبَيْنَهُ، فَلَوْلَا الْخُبْزُ مَا صَلَّيْنَا وَلَا صُمْنَا وَلَا أَدَّيْنَا فَرَائِضَ
رَبِّنَا»؛ خداوندا! به نان ما برکت بخش، و بین ما و
آن جدایی مینداز؛ که اگر نان نباشد، از عهده روزه
و دیگر واجبات پروردگاران بر نخواهیم آمد.
منظور این است که تأمین معیشت و داشتن
رفاه مادی، ایجاد زمینه برای عبادت و ستایش
خداوند است.

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۱۳

نقش تعلیم و تربیت در اقتصاد

هر نظامی ناچار است برای رفع نیاز عموم، به بُعد مادی جامعه توجه کامل داشته و (جهت رفع نیازهای مادی و جلوگیری از اجحاف و هرگونه تعدی به حقوق دیگران) افراد را زیر پوشش برنامه صحیح اقتصادی قرار دهد.

با دقت در ابعاد یک جامعه درمی یابیم که بُعد اقتصادی دارای اهمیت ویژه ای است که اگر برنامه کاملی برای آن ارائه نشود و به اجرا درنیاید و نظام اقتصادی آن از هم پاشیده باشد، بعنوان یک نقطه ضعف در جامعه، وسیله ای در دست دشمن، جهت محو نظام و استثمار ملت خواهد شد و دشمن با به دست گرفتن بعد اقتصادی، به تدریج

در بعد سیاسی، فرهنگی، اعتقادی و نظامی نفوذ کرده، آنها را قبضه می کند.

این مطلب احتیاج به دلیل و برهان ندارد، فقط کافی است نگاهی به کشورهای جهان سوم و نیز نظری به گذشته کشور خودمان - ایران - بیفکنیم؛ آن گاه متوجه می گردیم که شرق و غرب چگونه اقتصاد این کشورها را قبضه کرده، معادن و منابع ثروت را در پنجه اجحاف و تجاوز خویش گرفته و نیروهای انسانی را به خدمت در آورده اند. و با فرهنگ، سیاست و اعتقادات وارداتی خویش، به زندگی مردم شکل غربی و یا شرقی داده، آنها را به گونه ای تربیت و تعلیم داده اند که بتوانند مصرف کنندگان خوبی برای آنها باشند.

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۱۵

آن گاه که کشور و یا نظامی در بعد اقتصادی، روی پای خود بایستد و اقتصاد سالمی را در جامعه به اجرا در آورد، قدم مهمی در جهت استقلال سیاسی، اعتقادی، فرهنگی و نظامی برداشته است.

اگر چه اقتصاد، عِلّت تامّه برای استقلال در دیگر ابعاد جامعه نیست؛ ولی دارای نقش مهمی است. البته جامعه بدون آن هم می تواند از استقلال فرهنگی یا اعتقادی برخوردار باشد؛ ولی این وقتی امکان پذیر است که بعد معنوی در جامعه گسترش یافته و بر دیگر ابعاد آن غلبه پیدا کرده باشد، اما تا زمانی که دید مادی حاکم است، امکان استقلال سیاسی و... ممکن نیست. باید توجه داشت که

مقصود ما از استقلال اقتصادی، شکل غربی و شرقی آن نیست، که زمینه هرگونه فحشا، بی بند و باری، غارت و چپاول حقوق مستضعفان باشد، بلکه استقلال اقتصادی زمانی ارزش دارد که زمینه ساز معنویت باشد.

برنامه های تربیتی در مکاتب و جوامع امروز طوری طرح ریزی شده است که انسان را به جانب مصرف بیشتر هدایت و هر روز کالاهای متنوعی به او ارائه می دهد.

انسان غربی یا شرقی و یا انسانهای غرب و شرق زده، راهی جز این ندارند که سر تا پا ماشینی شوند، و اگر تولید کننده نیستند، لااقل مصرف کننده خوبی باشند. ماشینی شدن و غرق شدن در

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۱۷

کالاهای رنگارنگ غربی، تمامیت وجود اشخاص را تشکیل می دهد؛ به طوری که بدون آن قادر به شناخت خود نبوده و نمی توانند در صحنه اجتماع ظاهر شوند.

امروز آمریکا و به طور کلی اروپا از آن جهت که اقتصاد پیشرفته ای دارد، برای جوامع عقب مانده صنعتی هدف اصلی قرار گرفته است. اقتصاد در بیشتر جامعه ها همچون بت ظهور کرده و ملت ها را فریفته و شیدای خود کرده است. و چون این بت، بیش از همه جا در آمریکا و اروپا ظهور کرده است، عموم مردم می کوشند خود را متخلّق به اخلاق آمریکایی و اروپایی بگردانند. بنابراین، انسان امروز، حقیقت خویش را به

فراموشی سپرده و در مسیری غیر آن راه می پیماید. انسانها در چنین جوامعی به دنبال آن نیستند که چه می خواهند و فطرت درونی آنها چه چیز را می طلبد؛ بلکه خواست آنها را جهان بیرون از خودشان تعیین می کند. خواست حقیقی انسان، قربانی خواسته های مصنوعی و پوشالی ای شده است که اقتصاد نو برای آنها به ارمغان آورده است. در عبارتی کوتاه باید مطلب را خلاصه کرده، بگوییم: تعلیم و تربیت، امروز در خدمت اقتصاد تولیدی و مصرفی است، نه در خدمت انسان و انسانیت.

اسلام با اشاعه فرهنگ و برنامه های تربیتی خویش در بعد اقتصادی روشی را ارائه می دهد تا

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۱۹

اقتصادی بدون وابستگی به بیگانگان به وجود آورد. تربیت افراد در اسلام به گونه ای است که از پشت عینک توحید به اقتصاد و فعالیت اقتصادی می‌نگرند و غرض‌شان از فعالیت اقتصادی، تأمین رفاه خودشان و جامعه می‌باشد. در نظر آنان تلاش اقتصادی یک وظیفه عبادی - اقتصادی است که در نهایت از آن، قرب الهی را باید طلبید.

روش اقتصادی اسلام، برای به وجود آوردن یک اقتصاد سالم جهت تأمین رفاه فردی و اجتماعی بر پایه عدالت اقتصادی و انسانی و در نهایت، آماده کردن زمینه معنوی برای پرستش الله می‌باشد.

رسول گرامی اسلام ((صلی الله علیه
وآله)) فرمود:

«نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْغِنَى»^۱؛ غنی بودن

و بی نیازی، یاور خوبی بر تقوای الهی است.

اینک، با توجه به اهمیت مسأله اقتصاد، به

نقش تعلیم و تربیت اسلامی در اقتصاد می پردازیم.

تأثیر تعلیم و تربیت بر اقتصاد

اگر بخواهیم به طور دقیق از تأثیر تعلیم و تربیت بر

روی اقتصاد یک جامعه آگاه گردیم، باید تمام

ابواب فقهی اقتصاد اسلام (باب اجاره، تجارت،

مزارعه، شرکت، مضاربه و...) را با تمام مسائلی

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۲۱

بررسی کنیم، آن گاه به نکته های لطیف اخلاقی آنها نظر افکنیم. این کار به فرصت زیاد و به گروهی محقق نیاز دارد که به بررسی بنشینند و لطیفه های تربیتی و تعلیمی مسأله را به دقت اخذ کنند و نموداری از اقتصاد سالم اسلامی را - که در پرتو تربیت اسلامی و مراعات برنامه های پرورشی به وجود می آید - ارائه دهند.

انسان تربیت شده در مکتب الهی تابع امر و نهی و یا به عبارت دیگر «باید» و «نباید» دین است. و ملاک باید و نباید در اسلام، مصلحت و مفسده ای است که در مورد امر و نهی وجود دارد. آنچه دارای مصلحت فرد و اجتماع بوده به انجام

آن امر فرموده و از آنچه دارای مفسده بوده نهی کرده است.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ((عليه السلام)) قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فِي حَجَّةِ الْوِدَاعِ فَقَالَ: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ مِمَّنْ شَيْءٌ يُقَرَّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ وَمِمَّنْ شَيْءٌ يُقَرَّبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ.»^۱

امام باقر ((عليه السلام)) فرمود: رسول خدا ((صلی الله علیه وآله)) در حجه الوداع (آخرین حج پیامبر) فرمود: ای مردم! به آنچه شما را به بهشت نزدیک و از جهنم دور می کند، امر کردم، و

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۲۳

از انجام آنچه شما را به جهنم نزدیک و از بهشت دور می گرداند، نهی نمودم.

تعلیم و تربیت همه جانبه اسلام، رسالت بزرگی دارد و آن توجه دادن به روش اقتصادی است، که سلامت اقتصادی جامعه را تضمین می کند. و این براساس مصالح و مفاسدی است که می تواند نقش مثبت یا منفی داشته باشد. از آنچه به اقتصاد ناسالم منجر می شده - به گونه ای که مضرّ به معنویّات بوده است - نهی فرموده و بدانچه به اقتصاد سالم منتهی می گردیده (مفید برای رشد انسانیّت بوده است) امر کرده است.

به عنوان مثال، دو نمونه از مسائلی که ارزش مثبت و منفی در اقتصاد سالم دارند، متذکر می شویم.

تجارت و دادوستد از روی رضایت، مالکیت از طریق مشروع، فعالیت و تلاش اقتصادی برای حفظ آبرو، صله رحم، ادای دین، احترام گذاشتن به مالکیت عمومی، قناعت، انفاق و... از جمله مسائلی است که اسلام به جهت داشتن ارزش مثبت، به انجام آنها امر فرموده است.

و اما اسراف، ربا، احتکار، رشوه، تولید کالاهای مبتذل از قبیل آلات قمار و... و... مسائلی هستند که به جهت داشتن نقش منفی در اقتصاد، اسلام از آنها نهی کرده است. روایات بسیاری در

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۲۵

کتب روایی در این موارد وارد شده است که به جهت اختصار از آوردن آنها صرف نظر می کنیم.

انسان از آن هنگامی که در دامان پر مهر مادر و در خانواده پاک رشد می کند و بزرگ می شود، این دو دسته از مسائل را می آموزد. انجام دسته اول و نفی دسته دوم، نقش مؤثری در رشد اقتصاد سالم در زندگی فرد و جامعه دارد.

افراد در محیط های تربیتی و آموزشی اسلامی (خانواده و مدرسه) می آموزند که باید راستگو باشند؛ امانت دار باشند؛ در زندگی، دیگر دوست و قانع بوده و منافع دیگران را چون منافع خود بدانند. و می آموزند که باید یار مستمندان

باشند. سخن مولای متقیان، علی ((علیه السلام)) را

به گوش دل سپرده اند که فرمود:

«أَحْسَنُ النَّاسِ عَيْشاً مَنْ عَاشَ النَّاسُ مِنْ فَضْلِهِ»؛

بهترین مردم از حیث زندگی کسی است که مردم
در پرتو لطف و مهربانی او زندگی کنند.

خیانت، دزدی، اسراف، ربا، اعتیاد به مواد

مخدر، کسلی، تنبلی، پرخوری، خواب بیش از

اندازه، شراب خواری، قماربازی، آموختن علوم

غیر مورد نیاز جامعه، ساختن ابزار و آلات لهو و

لعب، کم فروشی، احتکار، بی تفاوتی در برابر

جامعه، خودگرایی، عجب و تکبر، حسد، بخل،

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۲۷

حرص، طمع در حقّ دیگران، ظلم به نفس و دیگران و... از جمله عواملی هستند که اقتصاد را به فساد می کشانند. و در واقع، انسان پرورش یافته در مکتب اسلام - که اقتصاد را زمینه ساز شکوفایی استعدادها و ستایش خدا، و یاری خوب برای تقوا می داند - از هر عاملی که اقتصاد خانواده و اجتماع را به سوی انحراف بکشاند پرهیز می کند.

انسانهایی که این چنین تربیت یافته اند، اگر چه زارع، صنعتگر، کارمند، کارگر و یا مهندس و پزشک و... باشند، به تعهّد انسانی خویش پای بند بوده، در رشد اقتصاد سالم اجتماع و استقلال اقتصادی خواهند کوشید. بنابراین، اسلام با ساختن

چنین افرادی و با تعلیم و تربیت صحیح، روش اقتصادی اش را در جامعه پیاده می کند و از فسادى که از ناحیه افراد سودجو، حریص و... اقتصاد را تهدید می کند، جلوگیری می نماید؛ مثلاً جلوی مالکیت های نامشروع، از قبیل حیف و میل بیت المال، ربا، قمار و فروش کالاهای نامشروع همچون شراب، آلات قمار، موادمخدر، و ورود کالاهایی را که جز جنبه فساد و ابتذال فایده ای ندارد می گیرد.

اسلام، دست حاکم شرع را در مورد کسانی که بخواهند ارزشهای معنوی جامعه را به خاطر سودجویی های اقتصادی و غیره زیرپا بگذارند، باز

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۲۹

گذاشته تا آنها را به گونه ای که صلاح می داند و تشخیص می دهد تنبیه کند.

تعلیم و تربیت اسلامی در رشد اقتصاد و استقلال اقتصادی و به وجود آوردن اقتصادی سالم در جامعه، نقشی مثبت و بسیار مؤثر دارد. در واقع یک کارگر یا کشاورز، و صنعتگر و هر مسلمانی که در جنبه اقتصادی جامعه تلاش می کند، کارش به عنوان عبادت تلقی می شود، و از آن نه تنها تأمین زندگی خود و اجتماع را می طلبد؛ بلکه نظری بالاتر دارد و آن، خشنود ساختن خداوند متعال است.

* چند نکته

آموزشگاه هایی که وظیفه تعلیم و تربیت اقتصادی را به عهده دارند، باید به نکاتی چند توجه داشته باشند:

۱- افراد مورد نظر را باید به رشته ای جلب کنند که در رشد اقتصادی مؤثر بوده و جامعه نیازمند به آن است؛ تا از این طریق نیروهای متخصص و تربیت شده، ابزار تولید و منابع تولیدی را به دست گیرند تا نیازی به متخصص خارجی نباشد.

۲- از جمله نقش های مهم تعلیم و تربیت در اقتصاد، رفع نیازمندی های مردم و استقلال

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۳۱

اقتصادی می باشد؛ لذا آموزش حرفه ای - فنی، از وظایف تعلیم و تربیت است.

۳- آموزشگاه ها موظفند دانش آموزان و دانشجویان را از طریق آزمایش و عمل به مسائل آشنا سازند؛ زیرا تنها تئوری کافی نیست.

حضرت علی ((علیه السلام)) فرمود: «رأی الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ تَجْرِبَتِهِ»^۱؛ عقل مرد به اندازه تجربه ای است که اندوخته است. و نیز فرمود: «التَّجَارِبُ عِلْمٌ مُسْتَفَادٌ»^۲؛

۴- از آموزشگاه های اقتصادی انتظار می رود که روحیه احساس و اندیشه مناسب دنیای

۱. شرح غرر، ج ۴، ص ۹۵.

۲. شرح غرر، ج ۱، ص ۲۶۰.

جدید (یعنی دنیای رشد اقتصادی) پدید آورند و تغییر و تحولاتی در مترّیان و عامه مردم ایجاد کنند. هم سطح بودن اقتصاد جامعه با جوامع پیشرفته در گرو ابتکار و استقلال شخصیت و تحرّک بیشتر است. برنامه تعلیم و تربیت در محیط های آموزشی باید به گونه ای تنظیم شود که چنین صفاتی در متعلّم پرورش یابد.^۱

۵ - به مترّیان اقتصاد بیاموزند که بهداشت محیط و بدن را کاملاً رعایت نمایند تا از بیماری هایی که ممکن است عارض آنها و دیگران شود، حتّی الامکان جلوگیری به عمل آید تا در اثر

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۳۳

ضعف بدنی و فکری، رکود در رشد اقتصادی به وجود نیاید.

۶- به وجود آوردن تعهد و مسؤولیت اجتماعی از مسائل مهمی است که در اقتصاد نقش اساسی دارد. کارگر و مهندسی که خود را مسؤول بدانند، در حفظ صنایع می کوشد و از آن (همچون مال خود) نگاهداری می کند. در غیر این صورت، با افراط و تفریط در کارها، باعث فرسودگی ابزار تولید و کندشدن تولید و توزیع خواهد شد.

حضرت علی ((علیه السلام)) فرمود:

«إِتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَأَنْتُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ
الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَلَا تُعْصُوهُ»؛^۱ بترسید از
خدا در مورد بندگان و شهرهایش؛ همانا شما (در
برابر آنها) حتی در برابر قطعه‌های زمین و چهار
پایان مسؤولید. و خدا را اطاعت کنید و معصیت او
را مرتکب نشوید.

۷- افراد را باید در رشته‌ای که استعدادشان
اقتضا می‌کند کمک و یاری کنند، تا نتیجه مثبت
آن حتمی بوده و به زودی به ثمر بنشیند.

۱. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۹، ص ۲۸۸،
خطبه ۱۶۸.

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۳۵

بهترین سرمایه گذاری برای تعلیم و تربیت
آنهایی که تعلیم و تربیت را فقط از دید بازدهی
مادّی می‌سنجند، در سرمایه گذاری، به این مقدار
که افرادی محدود، با مهارتی کامل، برای تولید و
رشد اقتصادی آماده کنند، اکتفا می‌نمایند تا غرض
اصلی - که بازدهی بیشتر در مدرنیزه کردن محیط
است - حاصل شود.

دید مادّی، به انسان چون ابزار تولید
می‌نگرد؛ ساختن ابزار تولید بهتر برای تولید بیشتر
و ساختن نیروی انسانی عالی تر برای بازدهی
بیشتر.

این دید به جنبه های انسانی و کمال انسانی
کارنداشته و موجب می شود که به افراد کم استعداد

ویا کندذهن توجه نشود؛ ویا برای رشد اخلاقی و کمال انسانی آنها و... سرمایه ای در نظر گرفته نشود؛ ویا در کارها فقط به تخصّص افراد ارج بگذارند؛ هرچند افرادی باشند که ارزشهای والای انسانی را زیر پا گذاشته و برای آنها احترامی قائل نباشند.

ریشه چنین دیدگاهی به سودجویی برمی گردد و اغلب جوامع صنعتی و سرمایه داری و یا نیمه سرمایه دار، امروز دارای چنین دیدگاهی هستند.

به عبارت کوتاه، سرمایه گذاری برای تعلیم و تربیت از دیدگاه مزبور، جز برای رسیدن به خواسته های شهوانی گروهی سردمدار بیش نیست.

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۳۷

این گروه همان اشخاصی هستند که قرآن مجید در
باره ایشان می فرماید:

«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ
وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ غضب و هدایت
الهی بر آنان به سبب این است که زندگی دنیا را بر
آخرت برگزیدند و همانا خدا گروه کافران را
هدایت نمی کند.

اما اسلام، تعلیم و تربیت را از دیدگاه الهی و
انسانی و کمال معنوی نگریسته و آن را در تعلیم و
تربیت اصل دانسته، و دیگر مسائل تربیتی را فرع و
مقدمه برای رسیدن به آن قرار می دهد. روی این

لحاظ، سرمایه گذاری برای تعلیم و تربیت، در رأس برنامه های حکومتی قرار می گیرد، و از ضرورتی خاص برخوردار می شود. حکومت باید همه افراد را تحت پوشش تعلیم و تربیت قرار دهد. و هیچ کس نباید به عنوان کند ذهن بودن و یا عوامل دیگر (چون ضعف استعداد) تحقیر شده و از تربیت صحیح محروم بماند. او نیز باید تحت پوشش تربیتی قرار گیرد، تا آنچه در توان دارد به ظهور برساند، و در حدّ کاردانی خویش به جامعه خدمت کند، هر چند ناچیز باشد. چه بسا افراد کم ذهن در بعضی از هنرها نبوغ خاصی دارند و چنانچه تحت آموزش صحیح قرار گیرند، می توانند برای جامعه مفید باشند؛ زیرا از نظر این

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۳۹

دیدگاه، ارزش انسانی مورد توجه است، نه ابزار تولید و سودجویی. سرمایه های به دست آمده نباید انباشته شود، بلکه صرف انسانهایی شود که خواهان رشد هستند. اگرچه عده ای از آنها نتوانند بازدهی مادی چندانی داشته باشند؛ ولی از تربیت صحیح اسلامی برخوردار خواهند شد؛ «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»؛ خداوند هر انسانی را در حدّ وسعش مکلف قرار داده است. هر شخصی که توانش بیشتر باشد، تکلیفش در برابر خود و جامعه اش سنگین تر خواهد بود. دولت اسلامی موظّف است در بودجه سالانه خود،

سرمایه‌گذاری کافی را برای تربیت نیروهای انسانی (در جهت به کار انداختن امور اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی کشور) در متن برنامه خود قرار دهد. نیروی انسانی، سرمایه بزرگی است که در رشد سرمایه مادی نقش بسیار مهمی دارد.

این مطلب لازم به تذکر است که مقصود ما از نیروی انسانی این است که هر فردی نیرو و فکر و استعدادش را به کار انداخته و در بُعدی که می‌تواند، خدمت نماید. به عبارت دیگر، به فعلیت رسیدن استعداد هر فردی در جهت امری از امور کشور، نیروی انسانی را تشکیل می‌دهد. کسب معلومات، مهارت و برخوردار بودن از ذوقی سلیم، از لوازم به فعلیت رسیدن نیروی انسانی است.

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۴۱

خواه فعلیت آن در جنبه اقتصادی باشد (مانند رشد صنایع، تولیدات، کشف منابع زیرزمینی و...) یا در بعد سیاسی، فرهنگی و غیره.

ظهور نیروهای انسانی در بعد اقتصادی موجب می شود که اقتصاد مملکت از رکود رهایی یافته و فقر و کمبود از بین برود؛ از منابع زیرزمینی به خوبی استفاده شود؛ توزیع کالا با قیمت مناسب به دست مصرف کنندگان برسد؛ مردم از رفاه مادی برخوردار گردند؛ بیکاری در جامعه ریشه کن شود. مهم تر از همه این که، راه نفوذ مستکبران - که همیشه در صدد هستند تا از ناداری، فقر و بی چیزی جامعه استفاده کرده و آنها را به بندکشند- گرفته شود.

ظهور نیروهای انسانی در جهت سیاسی موجب می گردد که افرادی لایق در رأس امور مملکت قرار گیرند؛ وزارتخانه ها را افرادی دانا با مدیریت کامل اداره نمایند و کشور را از روابطی صحیح و مشروع با کشورهای همسایه و غیره برخوردار سازند و از روابطی که موجب ذلت یک ملت می شود جلوگیری نمایند. دیگر این که برنامه ریزی های دقیق بر طبق شرع و دین برای به وجود آوردن نظم و اصلاح جامعه ارائه دهند. و نیروهای تربیت شده در بعد سیاسی (برای اداره امور کشور)، حکومت را یک امانت از جانب خدا و مردم بدانند که به عهده آنها گذاشته شده است و

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۴۳

هر نوع کوتاهی را خیانتی بزرگ در حق خدا و مردم بشمارند.

به فعلیت رسیدن استعدادهای انسانی در جنبه نظامی، سبب می‌گردد: کشور دارای سربازانی ماهر و قوی باشد که با وجود آنها مرزهای کشور امن خواهند بود و مردم با آرامش کامل به تلاش و فعالیت خواهند پرداخت. اینها (سپاه و نظامیان) زینت و باعث عزت دین هستند؛ چنانکه علی ((علیه السلام)) در باره آنها فرمود:

«فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَزَيْنُ الْوَلَاةِ
وَعِزُّ الدِّينِ وَسَبْلُ الْأَمْنِ وَلَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ»^۱

سپاهیان به فرمان خدا، دژها و قلعه های رعیت، و آراستگی حاکمان، ارجمندی دین و راه های امن و آسایش هستند. و رعیت برپا نمی ماند مگر با بودن ایشان.

همچنین ظهور نیروهای انسانی در بعد فرهنگی موجب می شود تا جامعه به رشد عقلی و فکری دست یافته و به آگاهی کامل معنوی نایل شود؛ از خرافاتی که در جوامع بی فرهنگ هست رها شده و در جنبه مختلف فرهنگی (فلسفه، منطق، اصول، تفسیر، ادبیات، عرفان، تاریخ اسلامی و احکام و تکالیف و...) به سرحد رشد و کمال برسد؛ چون ظهور نیروی فرهنگی، راه اجتماع به سوی حقیقت را باز می کند و چراغ راه می شود.

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۴۵

و اما به ثمر نشستن نیروهای انسانی در بعد اعتقادی، افراد اجتماع را در حدّ عالی از انسانیت قرار می دهد؛ مردم از عقایدی سالم بهره مند گشته و با شناخت توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد و ویژگی های آنها به معنویّتی خاص دست می یابند. ظهور این نیروها، هماهنگ و تعیین کننده وظایف و تکالیف ملّت و احیا کننده اسلام و شعایر آن می باشد.

اقدام به ساخت مراکز آموزش در تمام این ابعاد، از سوی حکومت باید انجام گیرد و مردم در ایجاد این مراکز - از آموزش ابتدایی گرفته تا مراکز آموزش عالی اقتصادی، نظامی، سیاسی، فرهنگی، اعتقادی و... - شرکت فعالانه داشته

باشند. این امر بودجه زیادی را به خود اختصاص خواهد داد؛ ولی نیروهای تعلیم یافته و فعال، آن را جبران خواهند کرد. هرچند جمعیت روبه فزونی بگذارد و هرچه زمان بگذرد، این امر سرمایه بیشتری را به خود اختصاص خواهد داد؛ زیرا همه افراد در هر شرایط و موقعیتی که باشند، باید زیر پوشش این برنامه تعلیمی و تربیتی قرار گیرند.

البته تعیین بودجه سالانه برای این بُعد مهم، به دست صاحب نظرانی است که درمجلس شورای اسلامی و یادر هیأت دولت هستند. آنها وظیفه دارند با بررسی صحیح و دقیق و تحقیق همه جانبه، نیاز بعد تربیتی نیروی انسانی را در حدّ

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۴۷

مدارس و آموزشگاه های تجربی و غیره در نظر گرفته و بودجه لازم را تعیین کنند.

با توجه به آنچه بیان شد، می توان فهمید که هدف از سرمایه گذاری، توسعه و رشد نیروهای انسانی است، که این خود، شرط لازم برای به فعلیت رساندن ابعاد مختلف جامعه و در نهایت، رسیدن به ارزشهای انسانی و معنوی می باشد. نامه علی بن ابی طالب ((علیه السلام)) به مالک اشتر نمودار عالی و زنده ای است برای تأیید آنچه بیان شد.

فقر اقتصادی و تاثیر آن در تعلیم و تربیت گفتیم: تربیت نیروهای انسانی در همه جوانب وقتی امکان پذیر است که سرمایه گذاری کافی

برای ایجاد زمینه رشد انجام گرفته باشد. حال اگر روشی صحیح بر اقتصاد جامعه حاکم نباشد و مردم دچار فقر و ناداری شوند، فقر چه اثری روی آنها خواهد گذاشت و تأثیرش در تعلیم و تربیت چگونه خواهد بود؟

فقر اقتصادی، ناداری مالی فرد، خانواده و اجتماع است. چنین فقری نقطه ضعف بزرگی است که می تواند در ابعاد مختلف (اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و...) جامعه اثر منفی گذاشته و در نهایت خانواده و اجتماع را به کفر بکشاند.

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۴۹

رسول گرامی اسلام - صلی ... علیه و آله -
فرمود: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»^۱؛ فقر (انسان را)
به کفر می کشاند.

فردی که فقر او را احاطه کرده، چه بسا خود
را در نزد دیگران حقیر می بیند. فردی که توانایی
دارد با تلاش و فعّالیت غبار فقر را از زندگیش
پاک گرداند و خود و خانواده اش را از ننگ فقر
نجات دهد؛ ولی تن به کسلی و تنبلی داده است،
راه ذلّت را به روی خود و فرزندانش گشوده و راه
کمال و سعادت را سدّ کرده است.

امکانات آموزش و پرورش که در پرتو اقتصاد پیدا می شود، در اثر فقر و ناداری، از خانواده و اجتماع سلب می گردد و در نهایت به ذلت و بردگی خانواده و اجتماع می انجامد.

امیرالمؤمنین ((علیه السلام)) به فرزندش امام

حسن ((علیه السلام)) فرمود:

«یا بُنِیَّ مَنْ اِبْتَلٰی بِالْفَقْرِ اِبْتَلٰی بِاَرْبَعِ خِصَالٍ: بِالضَّعْفِ فِی یَقِیْنِهِ؛ وَالنُّقْصَانِ فِی عَقْلِهِ؛ وَالرَّقَّةِ فِی دِیْنِهِ؛ وَقِلَّةِ الْحِیَاءِ فِی وَجْهِهِ؛ فَنَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الْفَقْرِ!»^۱؛ فرزندم! کسی که به فقر مبتلا شد، به چهار خصلت مبتلا می شود: ضعف در یقین، نقصان در عقل، سستی

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۵۱

در دین، کمی حیا در چهره اش؛ پس از فقر به خدا پناه ببریم.

اجتماع فقیر قدرت آن را ندارد که نیروهای انسانی فعال در ابعاد مختلف اجتماعی تربیت کند؛ لذا برای رفع نیازمندی های خویش مجبور می شود دست سؤال و ذلت به سوی جوامع پیشرفته دراز نماید. هر جامعه پیشرفته ای چنین نیست که بدون داشتن توقع، به سؤال اجتماع عقب مانده و فقیر پاسخ گوید؛ بلکه ضمن رفع نیازمندی از جوامع بیگانه، آنها را تحقیر کرده؛ شخصیت آنها را می گیرد و فکر و اندیشه خود را تحمیل می کند، و اجتماع فقیر هم به جهت احتیاجش مجبور به خضوع و خشوع می شود. نمونه روشن این

مطلب، رژیم محمد رضا شاه بود که آمریکا در زمان او حقّ توحّش می گرفت، و این نهایت تحقیر یک ملّت و گرفتن عزّت و شخصیت از اوست.

جامعه ثروتمند و پیشرفته به عنوان گرداندن چرخ های صنعتی، فرهنگی و نظامی یک کشور محتاج، اقدام می کند؛ ولی هیچ گاه معلومات و دانش تجربی خود را به مردم آن کشور انتقال نمی دهد، بلکه هرچه بیشتر، عوامل فقر آنها را فراهم می آورد و جامعه ای مصرف کننده، و بازاری برای فروش انواع کالاهای خود به وجود می آورد. منابع ثروت و ذخایر مادّی را می طلبد و در عوض، کالاهای تزئیناتی، لوکس و... را جهت

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۵۳

آنان ارسال داشته و عیاشی و هوسرانی را برای آن
ملت به ارمغان می آورد.

حیات و مرگ یک ملت در اثر فقر اقتصادی
به دست جامعه غنی می افتد؛ به طوری که هرگونه
حرکتی در جهت مخالف سیاست کشور حاکم،
محاصره اقتصادی را به همراه خواهد داشت.

خلاصه این که فقر اقتصادی، کانال نفوذ
استعمار است که با به دست گرفتن اقتصاد جامعه،
سایر شؤون اجتماعی را به دست می گیرد و این
آفتی عظیم برای سعادت و استقلال یک ملت به
شمار می آید. این چنین فقری بزرگترین مرگ
است.

حضرت علی ((علیه السلام)) فرمود: «الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْاَكْبَرُ»^۱؛ نداری، مرگ بزرگی است.

به راستی باید از چنین فقری به خدا پناه برد.

حضرت علی ((علیه السلام)) به فرزندش محمد حنفیه فرمود: «يَا بُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ»^۲؛ فرزندم! از فقر بر تو می ترسم، از آن به خدا پناه ببر.

اثر فقر اقتصادی، محرومیت جامعه از

امکانات آموزشی و پرورشی است؛ این محرومیت

موجب می گردد تا نیروهای انسانی شکوفا نشده و

به فعلیت نرسد. در نتیجه، راه رشد به سوی تعالی،

۱. نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۱۵۴، ص ۱۱۶۶.

۲. نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت ۳۱۱، ص ۱۲۳۸.

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۵۵

به روی مردم بسته شده و تعلیم و تربیت به دست استعمارگران بیفتد. که در این صورت، آموزش دین از بین خواهد رفت و یا به صورت یک مسلک خرافی معرفی خواهد شد، و دین - که تمام حیات معنوی انسان به آن است - به بازی گرفته خواهد شد. حضرت علی ((علیه السلام)) فرمود: «لَا حَيَاةَ إِلَّا بِالْذِّينِ»^۱؛ حیات و زندگی واقعی فقط در پرتو دین است.

محرومیت های اقتصادی، یکی از عواملی است که عقده های درونی و نابسامانی های روانی

۱. میزان الحکمة، ج ۲، ص ۵۵۲.

را به وجود می آورد و به صورت فحشا و جنایات در جامعه ظهور می کند.

در پایان، این نکته لازم به تذکر است که: غنا و بی نیازی مالی نیز - همچون فقر - گاهی عامل منفی برای تعلیم و تربیت و موجب ذلت و فساد می گردد.

حضرت علی ((علیه السلام)) فرمود: «حُبُّ
الْمَالِ يُوهِنُ الدِّينَ وَ يُفْسِدُ الْيَقِينَ»؛ دوستی ثروت
(در جهت دنیا) دین را سست و یقین را فاسد
می گرداند.

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۵۷

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ»؛ همانا

انسان از طغیان باز نمی ایستد، آن گاه که خود را غنی و بی نیاز می بیند. این طور نیست که فقر اقتصادی، عامل حتمی برای نابودی و فساد تعلیم و تربیت، و غنای اقتصادی، عامل حتمی برای رشد تعلیم و تربیت باشد.

حضرت علی ((علیه السلام)) فرمود: «أَلصَّبْرُ

عَلَى الْفَقْرِ مَعَ الْعِزِّ أَجْمَلُ مِنَ الْغِنَى مَعَ الذُّلِّ»؛

صبر و شکیبایی بر فقری که عزت به دنبال داشته باشد، بهتر و زیباتر از

۳ - شرح غرر، ج ۲، ص ۱۱۳، ش ۲۰۲۲.

۴۶

بی نیازی ای است که همراه با ذلت باشد.
حاکمیت این دو (فقر اقتصادی و غنای
اقتصادی) بر معنویت و عقل است که موجب منفی
بودن آنها می شود. در صورتی که محکوم عقل و
معنویت قرار گیرند، عاملی مثبت خواهند بود.
البته فقر اقتصادی - در هر حال - موجب
کندی رشد و تعلیم و تربیت؛ ولی غنا و بی نیازی،

دوره هشتم، شماره چهاردهم / ۵۹

زمینه فراهم آوردن امکانات گردیده، به گسترش
تعلیم و تربیت کمک می کند.

۴۷

فهرست مطالب

مفهوم وم

اقتصاد ۳

هدف اسلام از به وجود آوردن روش

اقتصادی ۶...

نقش تعلیم و تربیت در

اقتصاد ۹.....

۶۰ / تعلیم و تربیت و اقتصاد

تأثیر تعلیم و تربیت بر

اقتصاد ۱۵

چند

نکته ۲۳

بهترین سرمایه گذاری برای تعلیم و

تربیت ۲۷

فقر اقتصادی و تأثیر آن در تعلیم و

تربیت ۳۷